

هدفمند کردن یارانه‌ها و حذف یارانه‌های پیدای و پنهان به توسعه اقتصادی پایدار می‌انجامد

اشاره:

جمهوری اسلامی ایران به طور کلی موضوع فقرزدایی، توزیع عادلانه‌تر ثروت و درآمد در جامعه و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را از وظایف اصلی خود تلقی می‌کند و به همین جهت پرداخت‌های انتقالی دولت در چارچوب بودجه‌های سالانه را می‌پذیرد. این امر نمی‌تواند در قالب توزیع عمومی همگانی و یکسان یارانه‌ها جنبه عملی پیدا کند و چه بسا موضوع توسعه اقتصادی پایدار را تحت‌الشعاع قرار دهد. توسعه‌نیافتگی خود عاملی است که موجبات گسترش فقر و بیکاری در جامعه را فراهم می‌سازد و لذا دستیابی به توسعه پایدار در کنار تحقق اهداف اجتماعی می‌تواند به دولت‌ها کمک کند که ضمن گذر از توسعه‌نیافتگی به مسأله فقرزدایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر توجه کنند. در این مقاله به بررسی آثار اقتصادی یارانه‌ها و توزیع عمومی آنها می‌پردازیم.

درآمد ارزی رو به نزول گذارد و لذا تأمین تمام خواست‌های مردم با اتکاء به درآمد نفتی میر نخواهد بود. اغلب در اینگونه کشورها شاهد هستیم که دولت برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، بخشی از درآمد ارزی را به طور عمومی در جامعه توزیع می‌کند. این امر با ارایه کالاها و خدمات به بهای ارزان‌تر (با تخصیص یارانه‌های دولتی) صورت می‌گیرد، اما از آنجا که مصرف‌کنندگان هر کالایی را اقشار بخصوصی تشکیل می‌دهند، سهم

اغلب این کشورها را به اتخاذ راهکاری کوتاه‌مدت سوق می‌دهد. راهکارهایی که ممکن است در بلندمدت به نفع اقتصاد کشور نباشد. کشورهای نظیر ایران که از درآمد نفتی قابل توجهی برخوردار هستند و به عبارتی با فروش ثروت ملی، کسب درآمد می‌کنند. به طور معمول از این منبع درآمد برای گسترش رفاه اجتماعی و فقرزدایی بهره می‌جویند. اما انبوهی و رشد روزافزون جمعیت در چنین کشورهایی سبب می‌شود که سرانه

کشورهای در حال توسعه نظیر ایران که با رشد سریع جمعیت و سرازیری نیروی کار جوان جویای شغل در جامعه روبه‌رو می‌باشند، با مشکلات پیچیده و غامضی دست به گریبان هستند. از یک سو تولید ناخالص داخلی جوابگوی نیازهای روزافزون جمعیت نیست و از سوی دیگر ایجاد اشتغال و فقرزدایی منابع سرمایه‌گذاری کلانی را طلب می‌کند که اغلب کشورهای روبه رشد جهان با کمبود شدید آن روبه هستند. از این لحاظ مشکلات اقتصادی و اجتماعی،

یارانه افراد بنا به میزان مصرف و دستیابی‌شان به کالاهای یارانه‌دار تفاوت می‌کند. چه با اقشار مرفه جامعه بتوانند از یارانه بیشتری نیز بهره‌مند گردند و در مقابل اقشار نیازمند یارانه کمتری بگیرند.

در ایران توزیع یارانه‌ها به صورت عمومی از طریق تقبل بخشی از قیمت کالاهای یارانه‌ای از سوی دولت در سال‌های گذشته همواره مد نظر دولت قرار داشته است و بخشی از بودجه دولت برای تأمین یارانه بخش‌های تولید، مصرف و خدمات اختصاص یافته است که در این میان بخش مصرف بیش از ۹۰ درصد یارانه‌های تخصیصی را به خود اختصاص داده است.

اما بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که میزان بهره‌مندی گروه‌های مختلف از یارانه‌های تخصیصی به طور یکسان نبوده است. متوسط هزینه ماهانه خانوارها در مناطق شهری در سال ۱۳۷۹ برای دهک اول و دوم (اقشار کم‌درآمد جامعه) به ترتیب ۴۲۱۸۰۰ و ۷۲۴۲۰۰ ریال و برای دهک نهم و دهم (اقشار مرفه جامعه) به ترتیب ۳۱۰۲۲۰۰ و ۵۹۱۶۴۰۰ ریال بوده است.

به این ترتیب نسبت هزینه ماهانه ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین (اقشار ثروتمند به نیازمندان) ۷/۸۶ برابر بود.

این بررسی برای خانوارهای روستایی نیز نشان می‌دهد که متوسط هزینه ماهانه دهک اول و دوم روستایی در سال ۱۳۷۹ به ترتیب ۲۰۱۱۰۰ و ۴۰۶۲۰۰ ریال و برای دهک‌های نهم و دهم روستایی به

تسریب ۲۱۳۰۹۰۰ و ۴۰۳۲۲۰۰ ریال بود که به این ترتیب نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین در جامعه روستایی ۱۰/۱۶ برابر بوده است. به عبارتی شکاف بین متوسط هزینه خانوارهای روستایی کم درآمد (دهک اول و دوم یا ۲۰ درصد پایین) بیش از شکاف مذکور در خانوارهای شهری بوده است.

این بررسی نشان می‌دهد که چنانچه توزیع یارانه‌ها هدفمند شود و اقشار کم‌درآمد را دربرگیرد، تقریباً نیمی از خانوارهای شهری و روستایی کشور با برخورداری از یارانه مستقیم رفاه بیشتری کسب می‌کنند، در حالی که دهک‌های ششم تا دهم در جامعه شهری و روستایی با افزایش قیمت کالاهای یارانه‌ای کنونی بر اثر واقعی شدن قیمت آنها بخشی از درآمد خود را از دست می‌دهند و در همین حال نسبت متوسط هزینه ماهانه ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین در جامعه شهری به ۳/۸۶ و در جامعه روستایی به ۳/۵۴ برابر می‌رسد. به عبارت دیگر توازن اجتماعی میان خانوارهای پردرآمد و کم درآمد بهتر برقرار می‌شود.

با هدفمند کردن یارانه‌ها و پرداخت یارانه مستقیم به اقشار کم‌درآمد، میزان متوسط هزینه ماهانه آنها می‌تواند بین ۲/۰۶ تا ۱/۰۲ برابر (برای دهک‌های اول تا پنجم) در جامعه شهری شود که رفاه بیشتری را نصیب این اقشار خواهد کرد. اثر درآمدی هدفمند کردن یارانه‌ها در جامعه روستایی به مراتب بیش از جامعه شهری است و میزان متوسط هزینه ماهانه آنها می‌تواند بین ۳/۱۵ تا

۱/۰۷ برابر (برای دهک‌های اول تا پنجم) خانوارهای روستایی شود. بررسی‌های آماری گواه بر آن است که از هدفمند کردن یارانه‌ها، اهداف اقتصادی - اجتماعی دولت به مراتب بهتر از توزیع همگانی کالاهای یارانه‌ای تأمین می‌شود و در همین حال توزیع درآمد در جامعه عادلانه‌تر خواهد شد.

صرف‌نظر از بحث آثار اقتصادی - اجتماعی هدفمند کردن یارانه‌ها به طور مستقیم اقشار نیازمند جامعه شهری و روستایی کشور را دربرمی‌گیرد، پرداخت همگانی یارانه‌ها ضربات اقتصادی سنگینی به نظام اقتصادی مبتنی بر بازار وارد می‌کند که به طور مستقیم بر رشد و توسعه اقتصادی پایدار اثر منفی دارد. در اقتصاد مبتنی بر بازار، رقابت حرف اول را می‌زند. رقابت بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی موجود و قابل خلق در اقتصاد کشور است. هر اندازه که شفافیت در اقتصاد گسترش پیدا کند و مداخله دولت در نظام قیمت‌ها کمتر می‌شود، انحراف از سرمایه‌گذاری‌های مولد کاهش می‌یابد.

به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری به بخش‌های دارای مزیت سوق پیدا می‌کند که قابلیت رقابت در بازارهای داخلی و برون‌مرزی داشته باشد. در شرایطی که دولت قیمت‌ها را کنترل می‌کند و برای بخشی از کالاها یارانه می‌دهد، سرمایه‌گذاری دچار انحراف می‌شود. این انحراف گناه برای بهره‌جویی از رانت‌های موجود در اقتصاد در برخی فعالیت‌ها متراکم می‌شود و ظرفیت مازادی را ایجاد

مشاهده می‌شود که رشد سرمایه‌گذاری برای تولید کالاهای یارانه‌ای از سوی بخش غیردولتی به مراتب ناچیز بوده است. از نظر قیمت‌ها نیز مشاهده می‌شود که رشد عرضه کالاها زمینه افزایش درخور توجه قیمت آنها را از بین برده است.

رشد عمومی قیمت‌ها در سال‌های اخیر با وجود رشد فزاینده نقدینگی و افزایش پایه پولی، تا حدودی مهار شده است. آمار مربوط به رشد شاخص بهای کالاهای و خدمات مصرفی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ که به حدود ۱۲ درصد رسیده است، نشان می‌دهد که مهار تورم تا حدودی میسر شده است.

به عقیده کارشناسان، هدفمند کردن یارانه‌ها و پرهیز از توزیع عمومی یارانه‌ها از سوی دولت منافع درخور توجهی دربر خواهد داشت. اول آنکه حمایت منطقی از اقشار آسیب‌پذیر با حذف گروه‌های پردرآمد از یارانه‌ها، بهتر عملی خواهد شد. دوم آنکه انحراف در سرمایه‌گذاری کاهش و رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی افزایش می‌یابد. سوم آنکه با رشد سرمایه‌گذاری، مشکلات مربوط به بحران بیکاری در جامعه تا حدود زیادی مرتفع خواهد شد، چهارم آنکه رشد تولید کالاها و خدمات رقابت‌پذیر، زمینه توسعه صادرات غیرنفتی و افزایش درآمدهای ارزی کشور را فراهم خواهد ساخت. پنجم آنکه با دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، نه تنها هدف اصلی اقتصاد کشور که

بنا بر این خارج شدن دولت از حیطه مداخله در بازار به ویژه از طریق توزیع کالاهای یارانه‌ای، اقدامی است که به رشد اقتصادی کمک خواهد کرد. آنچه مسلم است رشد پویای اقتصادی که با رشد سرمایه‌گذاری‌های مولد و رقابت‌پذیر میسر می‌گردد، از طریق ایجاد اشتغال کمک بسزایی به فقرزدایی در جامعه به‌ویژه جوامعی که با معضل بیکاری روبه‌رو هستند، خواهد داشت.

نیروی کار با دستیابی به فرصت اشتغال خود می‌تواند با بهره‌جویی از توانایی‌های فکری و جسمی خود کسب درآمد مشروع کند و از جرگه نیازمندان جامعه خارج شود. این امر بار دولت برای پرداخت‌های انتقالی به منظور فقرزدایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را نیز کاهش می‌دهد، ضمن آنکه اشتغال زمینه بروز نبوغ و نوآوری در نیروی کار و ارتقای بهره‌وری آن را نیز فراهم می‌سازد که به لحاظ توسعه اقتصادی و امنیت اجتماعی حایز اهمیت است.

در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم، برخی از اقلام که از جرگه کالاهای یارانه‌ای و توزیع کالابزرگی خارج شدند، با رشد سرمایه‌گذاری و افزایش تولید روبه‌رو شده‌اند، به گونه‌ای که در پاره‌ای موارد مازاد عرضه این کالاها به چشم می‌خورد و چنانچه زمینه توسعه صادرات آنها با حمایت منطقی دولت فراهم شود، نه تنها تقاضای بازار داخلی را تأمین کرده، بلکه به رشد درآمدهای ارزی کشور کمک می‌کند. در مقابل

می‌کند که دارای مزیت برای رقابت در بازارهای داخلی و خارجی نیست و در برخی فعالیت‌ها به لحاظ کنترل‌های قیمتی سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد. حتی اگر مزیت نسبی در آن بخش موجود باشد.

بنا بر این آثار اقتصادی یارانه‌ها و کنترل نظام قیمت‌ها در رشد و توسعه اقتصادی، به مراتب بیش از آثار اجتماعی آن است و چه بسا مزیت ناشی از آثار اجتماعی با گسترش فقر در جامعه بر اثر توسعه‌نیافتگی ملی به کلی از بین برود.

به عقیده کارشناسان، در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، دولت می‌بایست حیطه کنترل و تصدی خود بر بازار را محدود کند و اجازه دهد که نیروهای بازار (عرضه و تقاضا) مسیر سرمایه‌گذاری را تعیین کنند. سرمایه‌گذاری‌های مولد مبتنی بر مزیت‌های نسبی، رقابت‌پذیر هستند و ضمن ایجاد اشتغال و کمک به رشد تولید ناخالص داخلی قادر هستند در عرصه‌های برون‌مرزی نیز رقابت کنند و توسعه صادرات که موتور محرکه رشد و توسعه پایدار اقتصادی است را محقق سازد.

دخالت دولت در نظام قیمت‌ها به هر طریق حتی توزیع کالاهای یارانه‌ای سبب می‌شود که سرمایه‌گذاری دچار انحراف شود. انحراف سرمایه‌گذاری از مسیر رقابت خود سرمنشأ اتلاف منابع ملی است. منابعی که در کشورهای در حال توسعه همانند ایران کمیاب و ذی‌قیمت هستند.

گذرد از عقب‌ماندگی است، تأمین خواهد شد، بلکه زمینه ارتقای رفاه اجتماعی تأمین خواهد شد و توزیع عادلانه‌تر درآمدها و ثروت‌ها نیز میسر می‌گردد.

به عقیده کارشناسان، دولت برای گسترش چتر حمایتی خود برای اقشار آسیب‌پذیر نیازمند نظام جامع اطلاع‌رسانی از وضعیت درآمدی خانوارهای شهری و روستایی است و لذا می‌بایست زمینه‌های لازم برای آماده‌سازی افکار عمومی جهت پاسخگویی صحیح به آمارگیری درآمد خانوار فراهم شود و از سوی دیگر نهادهای درگیر به اطلاعات دقیق و قابل اعتمادی دست یابند تا در طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به طور مستقیم اقشار نیازمند شناسایی و از یارانه مستقیم برخوردار گردند.

از سوی دیگر کارشناسان عقیده دارند که حذف یارانه‌ها فقط نباید یارانه مستقیم که در بودجه دولت انعکاس دارد، یعنی یارانه تخصیصی به کالاهای اساسی، دارو، کود و سم و... را دربرگیرد، بلکه یارانه‌های پنهان همانند یارانه خدمات عمومی (آب و برق) و فرآورده‌های نفتی (بستزین، گازوئیل و...) که سالانه میلیاردها دلار می‌شود، نیز می‌بایست مدنظر قرار گیرد.

با منابع درآمدی که از طریق حذف یارانه کالاها و خدمات عمومی تأمین می‌شود، می‌توان سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های زیربنایی و روینایی اقتصاد را توسعه داد و از طریق خصوصی‌سازی طرح‌ها در مرحله بهره‌برداری، تصدیی

فعالیت‌های اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار نمود.

درآمد حاصل از این خصوصی‌سازی می‌تواند صرف طرح‌های بعدی سرمایه‌گذاری دولت در امور اقتصادی شود و به طور مداوم زمینه‌های اشتغال مولد در جامعه را فراهم سازد و معضل بیکاری را به‌طور ریشه‌ای حل کند. این امر به رشد تولید ناخالص داخلی و دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی کمک خواهد کرد، ضمن آنکه بخشی از معضلات اجتماعی مانند بیکاری و فقر را به خوبی جبران خواهد نمود.

چنانچه دولت در یک برنامه پنج‌ساله زمینه حذف تمام یارانه‌های پنهان را فراهم سازد و با انحصارطلبی و رانت‌جویی به‌طور واقعی مبارزه کند، زمینه رقابت فراهم خواهد شد و سرمایه‌گذاری‌های آینده با اتکا به مزیت‌های نسبی موجود و قابل خلق در اقتصاد ملی شکل خواهد گرفت که در بعد بازار داخلی و برون‌مرزی قابلیت رقابت خواهد داشت.

افزایش قدرت خرید مردم از طریق رشد منطقی حقوق و دستمزدها و نیز پرداخت‌های انتقالی دولت (در قالب یارانه مستقیم به اقشار نیازمند)، فشارهای ناشی از حذف یارانه‌ها را از بین خواهد برد و به نقطه تعادل اقتصادی نزدیک خواهد شد. افزایش عرضه متناسب با تقاضا همواره عاملی مثبت در دستیابی به تعادل پایدار قیمت‌هاست و این موضوعی است که در دو دهه اخیر تقریباً به فراموشی سپرده شده است.

حذف یارانه‌های پنهان در یک برنامه پنج‌ساله ضربات اقتصادی کمتری خواهد داشت. در نخستین گام هدفمند کردن یارانه‌ها و حذف یارانه کالاهای اساسی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و در مرحله بعدی (طی برنامه پنج‌ساله) می‌توان بهای کالاها و خدمات عمومی را با حذف یارانه به سطح قیمت‌های بین‌المللی یا دست‌کم منطقه‌ای رساند.

در این رهگذر ممکن است برخی فعالیت‌های اقتصادی رقابت‌ناپذیر به تعطیلی کشانده شود، اما در مقابل فعالیت‌های رقابتی زمینه رشد پیدا می‌کنند. اصلاحات در سطح بنگاه‌های خرد با حذف یارانه‌های پنهان ضرورت اجرا پیدا می‌کند، زیرا که مدیر هیچ بنگاهی تمایل به تعطیلی فعالیت خود ندارد و بنابراین به فکر چاره خواهد افتاد.

راهکارهایی که در این موارد شناسایی می‌شود، به تقویت بنیه مدیریتی در کشور (در سطح بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ) کمک بسزایی خواهد داشت و در این مسیر توسعه اقتصادی بر مبنای رقابت هویدا خواهد شد.

چنین اقدامی به یک عمل جراحی بزرگ شباهت دارد، اما اجتناب از این جراحی نیز سبب می‌شود که بیماری اقتصاد کشور روزبه‌روز مزمن‌تر شود و سرانجام بیمار را از پا در خواهد آورد.

